

آهو بچه کرد و رو به آرام گرفت

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

مفهوم دو بی و فایی و بی ثباتی دنیا است.

نوبت به تو خود نیامدی از دگران

تو را کی میسر شدی تاج و تخت؟

زنها دل مبند بر اسباب دنیوی

۲. آن قصر که جمشید در او جام گرفت

بهرام که گور می گرفتی همه عمر

مفہوم دو بی و فایی و بی ثباتی دنیا است.

در طبع جهان اگر و فایی بودی

اگر ملک بر جم بماندی و بخت

جم: جمشید

جمشید جز حکایت جام از جهان نبرد

۳. آنان که محيط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
گفتند افسانه‌ای و در خواب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون

پیام این دو بیت این است که هیچ کس نمی‌تواند اسرار جهان هستی و حقیقت ذات
جهان را دریابد:

معنى دو بیت: آنان که فاضل و آداب دان گشتند و در جمیع کمالات سرآمد یاران
خود قرار گرفتند. (پیشوای یاران شدند.)

از محدوده‌ی عالم مادی (یا جهل و نادانی) قدمی فراتر نهادند. سخنانشان
همانند افسانه‌ای بود و در غفلت و بی‌خبری به سر بردند (یا مردند).

این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت
کس نیست که این گوهر تحقیق بست
هر کس سخنی از سر سودا گفته است
ذان روی که هست کس نمی‌داند گفت
سودا: خیال غلط، هوا و هوس، عشق، در اینجا دو معنی اول مراد است.

اسرار از لر رانه تو دانی و نه من
هست از پس پرده گفتگوی من و تو
اجرام که ساکنان این ایوانند
هان تا سرِ رشته خرد گم نکنی
غرقهی و همیم ورنه این محیط
وهم: گمان

وین حرف معما نه تو خوانی و نه من
چون پرده برآفتد نه تو مانی و نه من
اسباب تردد خردمندانند
کآنان که مدبرند سر گردانند
از ڏنگ آبی کناری بیش نیست
تنک آبی: آب کم عمق

معنی بیت: چون غرق در توهمندی فکر می‌کنیم تفکرات ما همانند اقیانوس
است در حالی که آگاهی‌های ما محدود و کم مایه است.
تذکر: این مفهوم را در رباعیات خیام بسیار می‌بینیم.